

۸۶. چرا خدا گناه را آنآ از بین نبرد؟

گناه با زهره که اسمش به شیطان تبدیل شد، در آسمان شروع شد. پس از اخراج، وی از آسمان به این دنیا نزول کرد و حق تسلط جهان را اختیار نمود، میتوان گفت که وی به خدا اظهار داشت - «خدایا، آدم با اختیار خود حرف مرا پذیرفت و با اطاعت از من تحت سلطه من در آمد. سلطه ای که داشت بمن سپرد. تو حق ورود و دخالت در حکومت من نداری. در امور من دخالت نکن.»

مورد تأکید قرار داده ایم. خدا مسلماً نمیتوانست شیطان را در آن واحد نابود کند. آری - نمیتوانست ولی این کار را نکرد. چرا؟ در نقشه ازلی و فهم بی انتهای احدیت صلاح بر چه بود؟ محبت اصل بنیاد حکومت خداست. تمام افعال خداوند بر این اصل قرار دارد. وی خدمتی یا ذکاتی یا هدیه ای بدون محبت قبول نمی کند. اگر خداوند در اولین وقوع گناه، زهره را از بین برده بود سایر ملائکه و ساکنان کرات بی شمار آسمانها از ترس می گفتند : «اگر خلاف کنیم ما را هم میکشد.» بنابراین چون خدا حضور خود را بر هیچ کس اعمال نمی کند صلاح دانست بگذارد شیطان حکومت خود را ادامه دهد تا تمام کائنات و سماوات نتیجه حکومت شیطان را بچشند و با آزادی رأی، انتخاب خود را بکنند.

خدا شیطان را مجاز ساخت حکومت خود را در این جهان ادامه دهد. و اما در عرف و محبت بی کران خود نقشه ای ایجاد نمود تا وفاداری بشر گمراه را

آدم و حوا در ارتكاب به گناه

قدرت امتناع را از دست داده و دروازهٔ جان خود را بروی شیطان باز کردند. در - معصیت خود به حبلهٔ شیطان تسلیم شدند و حال از پیروزی و موفقیت محروم گردیدند.

بدین علت بود که آفرینندهٔ جهان تصمیم گرفت که کائنات آسمان امر قضاوت را انجام دهند. آنان باید خود خداوند را تحت قضاوت قرار دهند. نقشهٔ وی بر این بود که خود به دنیا آمده عضو بشر شود و حق تابعیت بشری را قبول کند و ثابت کند که انسان میتواند احکام او را اطاعت کند. بدین ترتیب محققاً می توانست بگوید «در اینجا تولد یافتیم و حق تابعیت را دارم.»

پدر من در کشور سوئیس بدنیا آمد. مادرم در سوئد، خواهر و دو برادرم در ایران، یک دختر و دو پسر در ایران و همسر در ژاپن - اینها همه در کشورهای که در آن متولد شدند حق تابعیت داشتند. من در آمریکا بدنیا آمدم و حق تابعیت در هیچ کدام از کشورهای نامبردهٔ بالا را ندارم. آن فرد آسمانی، با آمدن به دنیا قالب انسانیت را بخود گرفت، راضی شد آن چه از آفریدگارش مطالبه کرد - خود بمورد اجرا در آورد. مگر خداوند قادر کل نمی باشد؟ انکار کردن نقشهٔ ای که خود آفریننده ایجاد کرده بی ایمانی محض است. هیچ کاری برای او غیر ممکن نیست حتی اخذ انسانیت بشری. نقشهٔ وی می باشد. انسانی وجود ندارد که طریق نجات دیگری غیر از آنکه خدا کشیده بسازد. نقشهٔ نقشهٔ خداست و شکر خدا راست که ما را از آن با خبر ساخته است.

در همان روزی که آدم مرتکب گناه شد خداوند نقشه فوق را که قبل از آفرینش جهان طرح کرده بود به حضرت آدم و حوا بیان کرد. در کتاب پیدایش ۱۵:۳ خداوند به شیطان که آدم را فریب داده بود خطاب کرده گفت: «و عداوت در میان تو و زن و در میان ذریت تو و ذریت وی میگذارم. او سر ترا خواهد کوبید و تو پاشنه ویرا خواهی کوبید.»

در همان روزی که نوع بشر مبتلا به گناه شد، وعده پروردگار را شنید که از نسل حوا یکی خواهد آمد که سر شیطان را بکوبد. در برنامه بعدی بوقوع پیوستن آن پیمان را ملاحظه خواهیم کرد.